

جدال با سعدی در عصر تجدد

کامیار عابدی



ویراست دوم

جدال با سعدی در عصر تجدد

ویراست دوم

کتاب بهار ۹۳

شعر فارسی ۶

ستاره



جدال با سعدی در عصر تجدد

ویراست دوم

کامیار عابدی

کتاب بهار با همکاری دانشنامه فارس

تهران ۱۴۰۱



با همکاری

کتاب

کتاب بهار: تهران، خیابان ولی عصر، خیابان ناصری، شماره ۸۲ (تلفن: ۰۹۱۲۱۲۲۶۰۰۸)

جدال با سعدی در عصر تجدد

ویراست دوم

کامیار عابدی

صفحه آرا: مرضیه نکونگار

چاپ اول ۱۴۰۱

شمارگان ۲۲۰

طراح جلد: پاشا دارابی

چاپ و صحافی: پردیس دانش

ویراست اول این کتاب، در سال ۱۳۹۱، در مرکز سعدی‌شناسی و دانشنامه فارس منتشر شده است.

سرشناسه:	عابدی، کامیار، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدیدآور:	جدال با سعدی در عصر تجدد/ کامیار عابدی.
وضعیت ویراست:	ویراست ۲.
مشخصات نشر:	تهران: کتاب بهار: دانشنامه فارس، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری:	بیست و دو + ۴۶۶ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
فروست:	کتاب بهار؛ ۹۳.
شابک:	شعر فارسی ۶.
وضعیت فهرست‌نویسی:	۹۷۸-۶۲۲-۷۰۶۷-۶۰-۶
یادداشت:	فیا
یادداشت:	کتاب‌نامه: ص. [۴۵۵]-۴۷۷.
موضوع:	نماینه.
موضوع:	سعدی، مصلح‌بن عبدالله، ۴۶۹۱ ق. -- نقد و تفسیر
موضوع:	Sa'di, Mosleh-ibn Abdollah -- Criticism and interpretation
موضوع:	سعدی، مصلح‌بن عبدالله، ۴۶۹۱ ق. -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع:	Sa'di, Mosleh-ibn Abdollah -- Addresses, essays, lectures
موضوع:	شعر فارسی -- قرن ۷ ق. -- تاریخ و نقد -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع:	Persian poetry -- 13th century -- History and criticism -- Addresses, essays, lectures
ردبندی کنگره:	PIR۵۲۱۵
ردبندی دیویی:	۸۱۳/۱
شماره کتاب‌شناسی ملی:	۹۰۴۹۰۱۳
اطلاعات رکورده کتاب‌شناسی:	فیا

فروش اینترنتی: www.ketabebahar.com

فروشگاه: انتشارات آگاه، خیابان انقلاب، شماره ۱۳۴۰، تلفن: ۶۶ ۴۶ ۷۳ ۲۳، www.agahbookshop.com

مراکز پخش: پیام امروز (۶۶ ۴۸ ۶۵ ۳۵)، صدای معاصر (۶۶ ۹۷ ۸۵ ۸۲)

۳۲۰ هزار تومان

«کاغذ ما سفید معمولی بود
 و قلم هرچه بود، واسطی نبود
 سرمشق همیشه شعر بود
 و سعدی همیشه سرمشق بود؛
 سرمشق خط فقط،
 و گرنه «به جان زنده دلان» که دل آزدیم
 و نظر تنها «بدین مُشتی خاک» کردیم
 «گل بی خار جهان» نشدیم
 «زمام عقل به دست هوای نفس» دادیم
 «نابرده رنج، گنج» خواستیم
 باور داشتیم سعدی
 شعرش را برای مشق خط گفته است
 و گرنه «بار درخت علم» این نبود.
 سهراب سپهری

به یاد

فریدون آدمیت (۱۳۸۷-۱۲۹۹)

تاریخ‌نگاری برجسته از عصر تجدد

نثرنویسی درجه اول در مکتب سعدی

و

تصویری مغموم و مغرور از او در یک دیدار، تنها دیدار

(اواخر خزان سال ۱۳۷۹، یوسف‌آباد تهران)

فهرست

- پیش سخن پانزده
- بخش نخست: سعدی از سده هفتم ه ق. تا عصر تجدد ۱
۱. سعدی، معلم و نماد پختگی زبان فارسی ۳
۲. نفوذ و اعتبار آثار سعدی در دوره خود و ادوار بعد ۱۴
۳. شاعران ایران عصر تجدد در مکتب سعدی ۴۲
۴. آرای شاعران ایران عصر تجدد درباره سعدی ۵۶
- شاعران مشروطه (۵۶)، شاعران دوره رضاشاهی (۵۷)، شاعران مکتب سخن (۵۸)،
 شاعران نوگرا/ نیمایی (۵۹)، شاعران غزل سرای متأخر (۶۲)، پایان سخن (۶۳)
۵. ثرنویسان ایران عصر تجدد در مکتب سعدی ۶۶
- ادیبان (۷۲)، تاریخ نگاران (۷۵)، دانشوران فرهنگی (۷۶)، روزنامه نگاران (۷۷)،
 مترجمان (۷۷)، طنزنویسان (۷۸)، خاطره نگاران (۷۹)، داستان نویسان و
 نمایش نامه نویسان (۸۰)، داستان «شیراز»/ محمد حجازی (۸۱)
۶. سعدی در عصر تجدد: تفاهم یا جدال؟ ۹۷
۷. چرا شاملو حافظ را ستایش می کرد و سعدی را نکوهش؟ ۱۲۱
- بخش دوم: جست وجوها ۱۳۱
- نمونه هایی از نقدها و پاسخ ها، و حمله ها و دفاع های مرتبط با سعدی در عصر تجدد ۱۳۳
- سپری شدن زمان سعدی و دور گلستان/ میرزا فتحعلی آخوندزاده ۱۳۵

- محور مشخص و معین گلستان/امیر اسماعیل آذر ۱۳۷
- قصه اخلاقی صرف در حکایت‌های سعدی/ای. جی. آربری ۱۳۸
- ناگزیری ترجیح روسو بر سعدی در عصر تجدد/ احمد آقایی ۱۳۸
- بی‌مایگی و لغت‌پردازی گلستان/ جلال آل احمد ۱۳۹
- بازتاب نحوه فکر روزگار سعدی در برخی تعبیرهای
تحقیرآمیز او درباره کلیمیان/ هوشنگ ابرامی ۱۴۰
- بدهمی از آثار سعدی/ غلامحسین ابراهیمی دینانی ۱۴۱
- شاعری بزرگوار، یا شاعری ولگرد و ستایشگر
و تألیف‌کننده خلفای عرب و سلاطین ایلخانی/ مهدی اخوان ثالث (م. امید) ۱۴۱
- مراجعه به استقرا در موضوع دروغ/ سید حسن اسلامی ۱۴۴
- بررسی برخی انتقادهای طرح‌شده از سعدی و پاسخ به آن‌ها/ محمدعلی اسلامی ندوشن ۱۴۶
- زنان و امکان فراهم آوردن حرم‌سرا برای مردان از نظر سعدی/ منصوره اشراقی ۱۵۳
- مقتصر نبودن شاعر نوع‌پرور ایران/ ابوالقاسم اعتصام‌زاده ۱۵۴
- از زبان یکی از شخصیت‌های داستان: اندرزهای خوش طرح
اما بی‌جان سعدی/ محمود اعتمادزاده (م. ا. به‌آذین) ۱۵۵
- خرده‌گیری‌های لفظی و معنایی بر گلستان و بوستان/ هاشم اعتمادسرایی ۱۵۶
- چند نکته انتقادی بر آثار سعدی/ محمود افشاریزدی ۱۵۸
- لغزش در حافظه تاریخی سعدی/ عباس اقبال آشتیانی ۱۶۴
- تحلیلی از موضوع عشق مُدگر در آثار سعدی/ الطاف حسین حالی ۱۶۵
- فقدان روح حماسی در بوستان/ نصرالله امامی ۱۶۶
- پاسخ‌هایی به منتقدان سعدی/ حسن امداد ۱۶۷
- تحلیلی از موضوع «دروغ مصلحت‌آمیز» و داوری درباره
دو اثر در زمینه سعدی‌شناسی/ سید عبدالله انوار ۱۷۰
- عظمت سعدی: چگونگی ابراز و آدای خاص اندیشه او/ حسن انوری ۱۷۲
- ساده‌گویی سعدی، تمام هنر او/ منصور اوجی ۱۷۴
- بدخوانی تعبیر «گبر و ترسا» در شعر سعدی/ مراد اورنگ ۱۷۵
- گلستان، حکایت مردمی پاینده امیال و شهوت و ثروت/ موریو اونو ۱۷۶
- انتخاب میان دو تنها امکان در عبارت «دروغ مصلحت‌آمیز»/ علی محمد ایزدی ۱۷۶
- سعدی دورو نیست، اما دو سیما دارد/ ای. براگینسکی ۱۷۷

- جنبه ماکیاولی وار در آثار سعدی / ادوارد گرنویل براون ۱۷۸
- سعدی سازشکار / رضا براهنی ۱۷۹
- سرزنش برخی آزادی سعدی و ناپسندی بهره‌گیری‌اش
از واژه‌های عربی / برخی از ایران‌دوستان و سره‌گرایان ۱۸۰
- سعدی مُزخرف است / برخی از معلمان جوان مدارس در دهه ۱۳۵۰ ۱۸۱
- دفاع از سعدی / محمدتقی بهار (ملک الشعرا) ۱۸۲
- سعدی، مردی با بینش وسیع / غلامعلی بهبهانی ۱۸۶
- دوگویی‌ها یا جمع اضداد در آثار سعدی / محمدجواد بهروزی ۱۸۷
- تعلیمات اجتماعی گلستان و وظایف اخلاقی بوستان / احمد بهمنیار ۱۸۸
- تهمت‌ها و بُهتان‌های منتقدان سعدی / عبدالحسین بهمنی شیرازی ۱۹۱
- تحلیلی از سفرهای سعدی / شیرین بیانی (اسلامی ندوشن) ۱۹۳
- چند پاسخ به انتقادهای کسروی و دشتی درباره سعدی / ایرج پارسی نژاد ۱۹۴
- بزرگ خرده‌نگیرد به رادمرد بزرگ / کاظم پزشکی ۱۹۶
- دروغ‌های سعدی درباره زندگی خود / ناصر پورپیرار ۱۹۷
- دشمن خدا بودن زرتشتیان و مسیحیان در سخنان سعدی / ابراهیم پورداوود ۱۹۸
- تهی بودن برخی از غزل‌های سعدی از صمیمیت عاطفی / تقی پورنامداریان ۲۰۰
- نادیده گرفته شدن شخصیت و طنز سعدی در داستان «جدال با مدعی» / محمد رضا تُرکی ۲۰۱
- نادرست بودن سنجش سعدی با ماکیاولی / احمد تمیم‌داری ۲۰۲
- تأکید بر برطرف کردن فتنه در عبارت «دروغ مصلحت‌آمیز» / محمدتقی جعفری ۲۰۳
- الضَّرُورَاتُ تَبِيحُ الْمَعْظُورَاتُ / سید محمدعلی جمال‌زاده ۲۰۴
- سعدی جامعه‌شناس و مصلحت‌جو / محمد جناب‌زاده ۲۰۵
- سعدی و مولانا؛ تقابل دو دیدگاه / شاپور جورکش ۲۰۶
- بازتاب فلسفه سازگاری و ابن‌الوقتی در گلستان / ک. چایکین ۲۰۷
- سعدی، اندیشه‌مندی واقع‌گرا و حکیمی عمل‌گرا / حسن حاج سیدجوادی ۲۰۸
- فراز و فرودها در گلستان و بوستان / علی محمد حاضری ۲۰۹
- تفاوت‌های میان سعدی و حافظ / محمد حجازی ۲۱۰
- چند پاسخ به برخی انتقادهای درباره سعدی / کاووس حسن‌لی ۲۱۲
- اقتباس سعدی از برخی مضامین متنی / حسینعلی محفوظ ۲۱۴
- نقدی بر حضور زن در آثار سعدی / مریم حسینی ۲۱۵

- عیب‌جویی نشان بی‌هنری است/ حشمت شیرازی ۲۱۷
- نقدی بر داوری نصرت رحمانی درباره سعدی/ علی‌حق‌شناس ۲۱۸
- ساخت مجازبنیاد شعر سعدی و ساخت استعاره‌بنیاد شعر حافظ/ علی‌محمد‌حق‌شناس ۲۱۸
- بیت‌های سُست در غزل‌های سعدی/ محمد حقوقی ۲۲۰
- نقد بر برخی منتقدان آثار سعدی/ سعید حمیدیان ۲۲۱
- عمیق نبودن و عقیم بودن نگرش‌های یک‌سونگرا نه و طَرَف‌گیرانه
- در بحث مقایسه سعدی و حافظ/ بهاء‌الدین خرمشاهی ۲۲۵
- «دروغ مصلحت‌آمیز» یا رعایت صلاح کلی و اجتماعی/ محمد خزائلی ۲۲۷
- سعدی و تحذیر از گفتن راستی که مایه شور و شر شود/ خلیل خطیب‌رهبر ۲۲۹
- سعدی شاعر بی‌وطن، و شاعر آدم‌های متوسط و کاسب/ اسماعیل خویی ۲۲۹
- نقد منطق‌زبانی منتقدان محتوای آثار سعدی، و تحلیل پژوهشی
- ارتباط بوستان با شاهنامه/ اصغر دادبه ۲۳۰
- تحلیلی زبانی و بیانی از عبارت «دروغ مصلحت‌آمیز»/ مهدی درخشان ۲۳۶
- استنباط سعدی از استقرار در موارد ابتلا/ عقلا/ [محمود] درگاهی خاندانی کرمانی ۲۳۸
- یکپارچه نبودن اندیشه و عقیده سعدی/ عبدالعلی دستغیب ۲۳۹
- انتقاد از سعدی، دفاع از سعدی/ علی دشتی ۲۴۳
- نگاه سلیقه‌های کج به سعدی/ دهاقانی نور شرق ۲۵۴
- منتقد آثار سعدی برادر حاتم طایی/ [نعمت‌الله] ذکایی بیضایی آرانی ۲۵۵
- سعدی مردم‌شناس، مسئولیت‌پذیر، معتقد، و متعهد
- به انسانیت و نه سازشکار/ محمدرضا راشد محصل ۲۵۵
- سعدی و سبب سرودن قصیده رثایی برای المستعصم/ پرویز رجی ۲۵۷
- سعدی و بهره‌برداری نامشروع از کلمه‌ها/ نصرت رحمانی ۲۵۸
- دور بودن سعدی از شعر ناب/ فضل‌الله رضا ۲۶۰
- دشواری شروع تحصیل کودکان با گلستان/ صادق رضازاده شفق ۲۶۲
- سعدی و حمله مغول/ رحیم رضازاده ملک ۲۶۳
- نقص‌های تاریخ ایران و نه ادبیات ایران/ غلامعلی رعدی آذرخشی ۲۶۴
- سعدی، مانع از موجودیت عصر ما/ تقی رفعت ۲۶۵
- نقد سعدی و جذابیت بیشتر وی/ سمیع رفیع جرمی ۲۶۹
- توجه به جامعه زمان سعدی/ محمود روح‌الامینی ۲۷۰

- انتقاد از رابطه انسان و خدا در مقدمه گلستان/ حسینعلی رونقی ۲۷۱
- سعدی، یک ناظم خوب/ یدالله رؤیایی ۲۷۲
- ذیلی بر تحلیل ساختاری ویلیام هنوری از گلستان/ هوشنگ رهنما ۲۷۳
- سعدی و مدح حاکمان/ یان ریپکا ۲۷۳
- طرح از پیش تعریف شده گلستان/ سید مهدی زرقانی ۲۷۴
- پاسخ‌هایی به برخی منتقدان سعدی/ عبدالحسین زرین کوب ۲۷۵
- جنبه دنیوی و گاه ماکیاولی وار آثار سعدی/ جورج سارتون ۲۷۷
- هجو یکی از منتقدان آثار سعدی/ م. ن. سالار شیرازی ۲۷۸
- سعدی مردم شناس، روان شناس، و روان کاو/ حسین سپاسگزاریان ۲۷۹
- وجود و بروز تناقض های روحی ملت ما در سعدی و آثار او/ محمدعلی سپانلو ۲۸۱
- نادیده گرفته شدن معنای سخن سعدی/ سهراب سپهری ۲۸۲
- نقدی بر برخی آرای تربیتی سعدی/ محمدحسین سروری ۲۸۳
- نقدی بر «جدال با مدعی» در گلستان/ عبدالکریم سروش ۲۸۴
- غافل ماندن منتقدان سعدی از جوهر شعر او/ احمد سمعی گیلانی ۲۸۴
- آقوی بودن سبب از مباشر/ شریعت سنگلجی ۲۸۶
- سعدی و بیان عقاید خود از زبان دیگران (شیوه ولتر)/ فخرالدین شادمان ۲۸۷
- جنبه حکمت آموزی و نه فرصت طلبی در عبارت «دروغ مصلحت آمیز»/ داریوش شایگان ۲۸۷
- حکایت سفر سعدی به هندوستان مشکوک و پُر از اشتباه/ شبلی نعمانی ۲۸۸
- خدا مرگت بده سعدی/ علی شریعتی مزینانی ۲۸۹
- چند پاسخ به برخی انتقادها درباره سعدی/ محمود شفیعی ۲۹۰
- سعدی و میهن دوستی/ محمدرضا شفیعی کدکنی ۲۹۳
- دروغ زشت بُود گرچه مصلحت آمیز/ محمد هاشم میرزا افسر (شیخ الزینیس) ۲۹۵
- هجو برخی منتقدان آثار سعدی/ شعاع الملک شیرازی ۲۹۵
- سعدی و شاهدبازی/ سیروس شمیسا ۲۹۹
- آرامش سعدی در زمانه بی آرام/ آناه‌ماری شیمیل ۳۰۱
- چند تحلیل و استدلال درباره برخی از آرای سعدی/ محمدحسن ناصرالدین صاحب الزمانی ۳۰۲
- نگاهی انتقادی - تحلیلی به گلستان سعدی/ حمید صاحب جمعی ۳۰۴
- نادرست بودن مقایسه سعدی با ماکیاولی/ علی پاشا صالح ۳۱۵
- شباهت آموزش های هر حکیم بزرگ به دریا/ غلامحسین صدری افشار ۳۱۶

- ۳۱۷ سطوح تاریک و پیچیده احتمالی در بیان افکار عالیة فلسفی و اجتماعی / لطفعلی صورنگر
- نامناسب بودن باب «عشق و جوانی» گلستان
- ۳۱۹ برای آموزش به کودکان و نوجوانان / میرزا عبدالرحیم طالب‌آف
- ۳۲۰ کلیات تنزل بخش سعدی / علی اصغر طالقانی
- ۳۲۲ بازتاب اخلاق ایرانیان در گلستان یا رفتار ایرانیان براساس گلستان / احسان طبری
- ۳۲۴ مقام سربه‌فلک کشیده سعدی و منتقدان آن / عارف قزوینی
- ۳۲۵ آل احمد و علم غیب سعدی / بتول عزیزپور
- ۳۲۵ آثار سعدی، متناسب با عصر خود، و نامناسب با عصر تجدد / بزرگ علوی
- ۳۲۶ تحلیلی از تعبیر مغان بت پرست در بوستان / محمدحسین علی آبادی
- ۳۲۷ انتقاد اخلاقی بر گلستان سعدی و چند اثر دیگر / میرزا اسدالله غفارزاده
- ۳۲۸ سعدی، نویسنده آداب و نه اخلاق / بدیع الزمان فروزان فر
- ۳۲۹ راست بودن گفت‌وگوی سعدی با جوان کاشغری / حسین فره‌ودی
- ۳۳۰ گور پدر زبان آزاد / فصیح‌الملک (شوریده) شیرازی
- ۳۳۳ خدمت به خلق برای رضای خدا / محسن قرائتی
- ۳۳۳ تحلیلی از برخی وجوه اندیشه سعدی و تبیین نظر شاملو درباره او / محمد فراگوزلو
- ۳۳۶ چند نکته انتقادی بر عبارت‌ها و بیت‌های سعدی / عبدالعظیم قریب گرکانی
- ۳۴۲ ناآگاهی شاملو از روش‌های تحقیق علمی / سعید قهرمانی
- ۳۴۳ نقد سعدی کُشی / محمدعلی همایون کاتوزیان
- ۳۴۷ گلستان شیوا و شیرین اما بدآموز، و سعدی ناپاک / احمد کسروی
- ۳۵۲ پاسخ‌هایی به برخی منتقدان سعدی / [محمدعلی] کشاورز صدر
- ۳۵۴ جایز بودن دروغ در برخی موارد / غلامرضا کیان‌پور
- ۳۵۵ درک نادرست نیما یوشیج از تحول و تطوّر غزل فارسی در نقد خود بر سعدی / محمود کیانوش
- ۳۵۷ چند نقد بر آثار سعدی / هانری ماسه
- ۳۶۰ از گلستان سعدی نمی‌توان حقوق بشر آموخت / هوشنگ ماهریان
- ۳۶۱ نقد و بررسی برخی آرای منتقدان آثار سعدی / جلال مثنی
- ۳۶۴ سه شخصیت در آثار سعدی / مهدی محبتی
- ۳۶۵ سعدی، معلم زبان فارسی نه معلم اخلاق / محمدجعفر محجوب
- ۳۶۶ معنای تاریخی گبر و ترسا در زمان سعدی / سید محمد محیط طباطبائی
- ۳۶۹ گلستان، مُفسد اخلاق / مُرسِلین و مُبَلِّغین عیسوی در هند

- ۳۷۰ نقد سعدی از لحاظ مسائل تربیتی و اجتماعی / محمد مسعود
- ۳۷۰ تفاوت میان دروغ مصلحت‌آمیز سعدی و دروغ منفعت‌خیز دیگران / مرتضی مطهری
- ۳۷۱ سعدی واقعی و سعدی خیالی / علی اصغر معززى
- ۳۷۲ نیاز به بازخوانی سعدی / حسین معصومی همدانی
- ۳۷۴ انتقاد از نام و صورت و محتوای بوستان / کیومرث منشی‌زاده
- ۳۷۵ سعدی شیرازی و سعدیه مصری / ذبیح‌الله منصوری
- ۳۷۶ هرکس که نام سعدی شیراز بد نوشت / مهدی موافق (رامین)
- ۳۷۷ سعدی شاعر زبان‌آفرین نه عالم اخلاق / ضیاء موحد
- ۳۸۰ سروده‌های بحث‌انگیز سعدی به زبان عربی / جعفر مؤید شیرازی
- ۳۸۳ عبارت‌های وحشی گلستان / میرزا آقاخان کرمانی
- ۳۸۵ کثرت‌گرایی، تسامح، و زبان تمثیلی آثار سعدی / عباس میلانی
- ۳۸۷ پاسخی به یک اشکال تاریخی در آثار سعدی و نقدی بر یک بیت او / مجتبی مینوی
- ۳۸۹ انتقاد از سعدی، سوءتفاهمی محصول جهل یا غرض / نادر نادرپور
- ۳۹۰ مذمت تفتین در عبارت «دروغ مصلحت‌آمیز» / موسی شری همدانی
- ۳۹۲ نقد تردیدهای تاریخی درباره سعدی / اکبر نحوی
- ۳۹۳ سعدی، مرگ‌گریز و زندگی‌ساز / مجید نفیسی
- ۳۹۶ داوری جاهلانه منتقدان سعدی / نوای شیرازی (ناج‌الادبا)
- ۳۹۷ رمزگشایی از «وقت خوش سعدی» / مهدی نیک‌نیش
- ۳۹۸ تردید در احساسات شاعرانه سعدی / نیما پوشیچ
- ۴۰۲ فقدان لحن حماسی در بوستان / تقی وحیدیان کامیار
- ۴۰۳ سعدی، بنیادگذار روش فکری ایرانیان / س. ج. ویلز
- ۴۰۳ فردوسی مداح شاهان؛ سعدی انعطاف‌پذیر و اهل تطبیق / محمدرضا هاشمی گلبایگانی
- ۴۰۴ نقدهایی بر برخی آرای منتقدان و شارحان آثار سعدی / کیخسرو هخامنشی
- ۴۱۴ دفاع از سعدی / محمدرضا هزار شیرازی
- ۴۱۷ گلستان، فراورده از هم‌گسیختگی اجتماعی / داریوش همایون
- ۴۱۸ تأکید سعدی بر تحذیر و نه تحریض در عبارت «دروغ مصلحت‌آمیز» / جلال‌الدین همایی
- ارتباط نزدیک طرح و نقشه گلستان و بوستان
- ۴۲۰ با طرح و نقشه باغ‌های ایرانی / ویلیام هنووی
- ۴۲۱ کودکانه و نابخردانه بودن اعتراض به سعدی / حبیب یغمایی

- ۴۲۳ متملق بودن سعدی / یک دانشجوی ایرانی در سال ۱۳۵۰
- ۴۲۳ تعصب مذهبی در برخی آثار سعدی / یکی از اعضای اقلیت‌های دینی ایران
- ۴۲۴ سنجش اندیشه‌های سعدی با حافظ / عبدالعظیم یمینی
- ۴۲۵ حاشیه‌هایی بر برخی آرای منتقدان سعدی / غلامحسین یوسفی
- ۴۲۸ دفاع از سعدی، نقد بر سعدی / جواد یوسفیان
- ۴۳۱ فهرست منابع و مآخذ
- ۴۵۳ فهرست نام‌های کسان

پیش سخن

شمار سخن سالاران ادب فارسی در هزار و چندصد سالی که بر عمر این ادبیات گذشته است اندک نیست. نیازی به نام بردن از این سخن سالاران، که چند تن از آنان در صف نخست قرار دارند و بسیاری در صف‌های بعد، وجود ندارد. کم پیش می‌آید که یک ایرانی یا فارسی‌گویا فارسی‌دان بیتی‌هایی از چند تن از آنان را در خاطر نداشته باشد.

در میان این سخن سالاران، سعدی مقام و موقعیتی بسیار خاص دارد. زیرا او هم در شعر و هم در نثر پا به میدان ادب گذاشته و در هر دو اقلیم به کامیابی گسترده‌ای رسیده است. علاوه بر این، آثار او، از لحاظ زبان و شکل، پس از مکتب‌های خراسانی و آذربایجانی، توانست به موقعیت معیار یا هنجار سخن در میان ایرانیان و فارسی‌گویان تبدیل شود. گلستان و بوستان و غزل‌های او از یک ویژگی مرموز و کمیاب در حوزه ادبیات، که همانا طراوت‌زایی است، به کمال بهره‌مند است.

آثار سعدی از همان دوره خود شاعر و نویسنده همواره خوانده شده، بر صدر نشسته و قدر دیده است. گلستان او تنها کتاب ادبی است که توانسته است عنوان کتاب درسی را در میان مخاطبان عام‌تر جامعه غیرعربی‌زبان، از قلمرو عثمانی تا قلمرو هندوستان، إحراز کند. گذشته از این، در میان سخن سالاران اندیشه‌مند زبان فارسی، سعدی در زمره کسانی است که به صراحت بر اعتدال و اصلاح تدریجی امور اجتماعی و انسانی تأکید می‌کند نه بر دگرگونی‌های یک‌باره و ناگهانی که اغلب برابر است با کج‌روی و بیراهگی. به نظر می‌رسد تنوع و وسعت آرای جامعه‌شناختی و روان‌شناختی سعدی، با وجود اما و اگرهایی که می‌توان درباره شماری از آن‌ها طرح کرد، در جهان کهن شرق و غرب ممتاز یا دست‌کم شاخص است.

چون بسیاری از ایرانیان و فارسی‌گویان، من نیز از دوره کودکی و در دبستان با برخی از قطعه‌ها و قصه‌های گلستان و بوستان آشنا شدم. این آشنایی در دوره نوجوانی قدری وسعت یافت. مانند بخشی از ایرانیان و فارسی‌گویان، «دیباچه» گلستان یا قسمت‌هایی از آن را ازبر شدم. اندکی بعد، در سال دوم دانشگاه، بخش‌هایی از آثار سعدی را به‌صورت متن درسی، و بخش‌هایی دیگر از آثار او را در نزد خود خواندم. پس از این دوره نیز از مطالعه و مرور آثار او بی‌نصیب نماندم. به‌تدریج، مرزهای آشنایی‌ام با سعدی تا حدودی به مرزهای انس نزدیک شد. البته، علاقه‌مند بودم درضمن تکاپوهای تحقیقی-تحلیلی‌ام به آثار سعدی هم بپردازم. اما گرایش پژوهشی‌ام، یعنی ادبیات ایران دوره تجدد، و البته، فقدان مایه و پایه ادبی لازم یا کافی در قلمرو ادبیات کهن، ازجمله دلیل‌هایی بود که مرا حتی از نگارش مقاله درباره استاد بی‌مثال سخن پارسی بازمی‌داشت تا چه رسد به تألیف کتاب.

در حدود سال ۱۳۸۰ نوع تلقی شماری از شاعران، ادیبان، دانشوران، و نویسندگان ایرانی، و گاه فارسی‌دان و فارسی‌پژوه در عصر تجدد نسبت به آثار سعدی نظرم را به خود جلب کرد.^۱ در این زمینه، به‌تدریج منابع و مآخذ و یادداشت‌هایی گرد آوردم. کتاب حاضر حاصل نهایی تألیف و تدوین آن یادداشت‌ها و منابع و مآخذ است.

موضوع این کتاب چیست؟ موضوع این کتاب، به زبان ساده، بحث‌ها و جدال‌های مختلفی است که از نیمه دوم سده نوزدهم تا آغاز سده بیست و یکم میلادی به‌مناسبت‌های مختلف ادبی، فکری، اجتماعی، و غیره در انتقاد از سعدی و آثارش درگرفته است. در این دوره زمانی، که حدود یک‌صدوپنجاه سال را شامل می‌شود، آرای از اندیشه‌مندان زمان قاجار تا نویسندگان فضای مجازی گردآوری شده است. بنابراین، ستون فقرات پژوهش حاضر بخش دوم آن با عنوان «جست‌وجوها» است. در این بخش کوشیده‌ام تا حد امکان، نقدها و پاسخ‌ها و حمله‌ها و دفاع‌های مربوط به زمینه بحث را، که آثار و شخصیت سعدی باشد، جمع‌آوری و تلخیص کنم.

انتقادهایی که از سعدی در این دوره زمانی شده است به چه موضوع‌ها، نکته‌ها، و محورهایی مربوط می‌شود؟ شاید در نگاهی اجمالی بتوان پُراهمیت‌ترین این موضوع‌ها، نکته‌ها، و محورها را بدین ترتیب برشمرد:

- «ناظم» بودن سعدی، و دور بودنش از جوهر و احساس شعری و ادبی؛
- علاقه او به «دروغ مصلحت‌آمیز»؛
- به‌کار بردن تصنع در شیوه کلام و نیز محتوای سخن؛
- تأیید خلیفه عباسی وقت، و اشک حسرت ریختن بر فروپاشی خلافت عباسیان؛
- نگاه تحقیرآمیز به اقلیت‌های دینی؛
- تلقی فرودستانه از موقعیت زنان؛
- کنایه‌های انتقادی به مولانا جلال‌الدین و شیوه زیست وی؛
- وجود تناقض در آرای تربیتی، اخلاقی و اجتماعی؛
- دور بودن از نگاه و گرایش ملی/ ایرانی؛
- هواخواهی از ثروتمندان و حاکمان و قدرتمندان؛
- کهنگی فکر و تکیه کردن بر تقدیر؛
- وجود لغزش‌های تاریخی و فرهنگ‌شناختی در آثار؛
- توجه به عشق مذکر و شاهدبازی؛
- اخذ درون‌مایه از شعر و ادب عربی؛
- دروغ‌گویی درباره زندگی و سفرهای خود؛
- بی‌توجهی به قتل و غارت مغول در زمانه خویش؛
- فقدان لحن حماسی در بوستان؛
- وجود شماری از کاستی‌ها و نادرستی‌های لفظی در آثارش.

البته، — همچنان‌که خواننده هنگام مطالعه و مرور کتاب درخواهد یافت — درمقابل «منتقدان» یا گاه «مخالفان» سعدی «دوستان وی نیز از پای ننشسته و به این آرای انتقادی و مخالف، گاه مختصر و گاه مفصل، پاسخ داده‌اند. گردآورنده، پایه‌های منابع و مآخذ، هم به منتقدان و مخالفان توجه کرده است و هم به مدافعان و موافقان.

درباره این انتقادات و مخالفت‌ها چگونه باید اندیشید؟ تردید نیست که هیچ انسانی مصون از خطا نیست. آرای همه ما به درجات می‌تواند درخور انتقاد باشد. اما به‌نظر

می‌آید بدبختانه به «دلیل» یا «بهانه» سطرهایی از آثار این شاعر و نویسنده قدر اول، کار در مواردی گاه از مرحله «انتقاد» در گذشته و به مرزهای «بی‌مهری»، «نکوهش»، و حتی «ناسزا» کشیده شده است. بنابراین، باید تأکید ورزم که دست‌کم نقل بخشی از این آرا نه نشانه اهمیت همه آن‌ها که فقط شناخت یک جریان پُرتداوم تاریخی در دوره تجدد در انتقاد و مخالفت نسبت به سعدی و آثارش است. البته، ردّ یا قبول این آرا از حدود محدود گرایش و توان ادبی - تحقیقی مؤلف و تألیف، به کلی، بیرون بوده است. از این رو، از نزدیک شدن به این حیطه خودداری کرده‌ام.

هنگام نقل آرا، چه مختصر چه مفصل، کوشیده‌ام تا امانت را رعایت کنم. اما صرف‌نظر از موارد اندک، و آن‌هم به‌ناگزیر، نکوشیده‌ام تا سراسر هر نوشته را نقل کنم. درواقع، اغلب به آوردن ژبدۀای از آرا در روایتی پژوهشی اکتفا کرده‌ام. با این همه، به هیچ‌وجه، نمی‌توانم روایت‌های این کتاب را کامل بدانم. زیرا به‌طور حتم در لابه‌لای کتاب‌ها، مقاله‌ها، روزنامه‌ها، و مجله‌ها، بسته‌گریخته، نمونه‌هایی از نقدها و پاسخ‌ها و حمله‌ها و دفاع‌ها وجود دارد که از دید یا دسترس گردآورنده و جست‌وجوگر حاضر، به کلی، پنهان مانده است. بنابراین، از خواننده انتظار می‌رود این بخش را «نمونه‌هایی» از این نقدها و پاسخ‌ها و حمله‌ها و دفاع‌ها تلقی کند و نه پرونده «مختومه» و کاملی از این موضوع.

البته، باید اشاره شود که در بخش نخست کتاب، در طی هفت فصل، فقط و فقط در مقام زمینه یا درآمدی بر بحث‌های بخش دوم، ابتدا تحلیلی اجمالی از آثار سعدی و موقعیت فکری و فرهنگی او به‌دست داده شده است (فصل ۱). سپس از بازتاب نام و آثارش در عصر خود وی و عصرهای بعد سخن به‌میان آمده است (فصل ۲). پس از آن، تأثیر سعدی بر آثار شاعران و نثرنویسان ایران دوره تجدد، تا حدودی، شناخته و بررسی شده است (فصل‌های ۳ و ۵). در این میان، چون شاعران بیشتر از قلم‌زنان دیگر با شهرت و اعتبار سعدی سروکار داشته‌اند، آرای این گروه به‌طور اختصاصی‌تر نقل و تحلیل شده است (فصل ۴). تحلیل جامع‌تر و کلی‌تر از این موضوع، یعنی پاسخ به این پرسش که آیا سهم سعدی از عصر تجدد، در میان دانشوران و اندیشه‌مندان و شاعران و ادیبان و نویسندگان ایران تفاهم بوده است یا جدال، به‌صورتی مجزا به‌قلم

آمده است (فصل ۶). علاوه بر این، آرای یکی از برجسته‌ترین و پُر شهرت‌ترین شاعران و کوشندگان ادبی این عصر دربارهٔ سعدی، دستمایهٔ تحقیق و تحلیلی تفصیلی نیز قرار گرفته است: احمد شاملو (فصل ۷).

ناگفته پیداست که این کتاب، چه در بخش دوم و چه در بخش نخست، که حکم دریچه‌ای به بخش تفصیلی دوم را دارد، برپایهٔ گرایشی تاریخی به موضوعی ادبی شکل گرفته است. در واقع، شاید بتوان گفت سروکار ما در مجموعهٔ حاضر، بیشتر با نوعی تاریخ ادبیات یا نوعی تلقی تاریخی از ادبیات بوده است و کمتر با جوهرهٔ ادبیات. با فروتنی عرض می‌کنم که این روش روشی است که بد یا خوب و کم یا زیاد در اغلب تألیف‌ها، تحقیق‌ها و تحلیل‌های صاحب این قلم، چه به صورت مقاله و چه در هیئت کتاب، پیگیری و مؤکد شده است.

از نظر سوابق تألیف حاضر باید اشاره کنم که نخستین مقالهٔ صاحب این قلم در این موضوع در سال ۱۳۸۳ به صورت یک سخنرانی تفصیلی در سلسله نشست‌های سعدی‌شناسی^۲ طرح و بیان شد.^۳ نگارش چند مقالهٔ دیگر در این موضوع، قبل و بعد از انتشار ویرایش نخست جدال با سعدی در عصر تجدد (۱۳۹۱) نیز تداوم داشته است.^۴ همچنین که انتشار متن آن سخنرانی با بازتاب‌های شفاهی و مکتوب چندی روبه‌رو شد،^۵ انتشار این ویرایش هم سبب معرفی و بررسی یک مرکز فرهنگی^۶ و یک برنامهٔ رادیویی^۷ از آن را فراهم آورد. علاوه بر چند پایان‌نامهٔ دانشگاهی (در دانشگاه‌هایی مانند دانشگاه شهید بهشتی تهران و دانشگاه فردوسی مشهد) که به‌طور مستقیم برپایهٔ محتوای این کتاب مشکل گرفته بود، موضوع جدال با سعدی در عصر تجدد مورد رجوع و تحلیل و استنباط چند استاد و پژوهشگر حوزه‌های ادبیات انگلیسی، فارسی، و عربی قرار گرفت.^۸

در ویرایش کنونی کتاب، علاوه بر زدودن برخی نقص‌ها، شماری از یافته‌ها و تحلیل‌های جدیدتر نیز به‌ویژه در بخش نخست افزوده شده است (درخور تأکید است که انتشار ویرایش نخست و دوم، به ترتیب، به لطف آقای دکتر کورش کمالی سروستانی و آقای مهندس احمد خندان میسر شده است). در پایان، امیدوارم پژوهش تاریخ ادبی‌وار یا تاریخی- ادبی حاضر از سعدی در عصر تجدد، در حد خود، به

بازخوانی ویژگی‌ها و ارزش‌های گوناگون استاد مسلم نثر و نظم فارسی یاری رساند یا دست‌کم تا اندازه‌ای راه را برای بحث‌ها و هم‌اندیشی‌های عمومی یا اختصاصی درباره سعدی باز کند. به احتمال زیاد، شماری از خوانندگان این سطرها با این قلم‌زن ادبی هم‌عقیده‌اند که بحث علمی و نه احساسی، و بازاندیشی منصفانه و دقیق در سنت‌های ادبی و فرهنگی نکته‌ای نیست که هیچ ملت و تمدنی، از جمله ملت ایران، تمدن ایرانی، و قلمرو زبان فارسی، از آن بی‌نیاز باشد.

ویرایش نخست در خرداد ۱۳۸۹ در اوساکای ژاپن،
و ویرایش دوم در فروردین ۱۴۰۱ در تهران انجام پذیرفت.
کامیار عابدی شال

مراجع و یادداشت‌ها

۱. اگر کتاب‌شناسی توصیفی - انتقادی سعدی، که با صرف وقت و دقت زیاد تدوین و فراهم شده است، مرور شود، شاید به این نتیجه برسیم که کیفیت آثار تألیف‌شده درباره سعدی در عصر تجدد، به هیچ‌روی، به اندازه کمیت آن‌ها نیست: کاووس حسن‌لی، فرهنگ سعدی‌پژوهی، بنیاد فارس‌شناسی + مرکز سعدی‌شناسی: شیراز، ۱۳۸۰.
۲. این نشست‌ها از سال ۱۳۷۶ به بعد، هر سال در «اول اردیبهشت ماه جلالی» در جوار آرامگاه سعدی، در شیراز جنت طراز، به کوشش آقای دکتر کوروش کمالی سروستانی و چند تن از همکارانشان، از جمله خانم دکتر فرح نیازکار، خانم معصومه جوادپور، و گروهی دیگر، برگزار شده است.
۳. رک. سعدی در آئینه ادب معاصر: تحلیلی تاریخی از یک بی‌مهری فرهنگی و ادبی، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، ص ۷، ش ۱۱، شهریور ۱۳۸۳، ص ۵۴-۶۳؛ نیز سعدی‌شناسی، ج ۸، به کوشش کمالی سروستانی، مرکز سعدی‌شناسی: شیراز، ۱۳۸۴، ص ۴۴-۶۳.
۴. تئوریسان معاصر در مکتب سعدی، در سعدی‌شناسی، ج ۱۲، به کوشش کمالی سروستانی، مرکز سعدی‌شناسی: شیراز، ۱۳۸۸، ص ۱۳۰-۱۴۴؛ چرا شاملو حافظ را ستایش می‌کرد و سعدی را نکوهش؟ تجربه، دوره جدید، ش ۴، شهریور ۱۳۹۰، ص ۲۰-۲۲؛ آن شاعر رونده بیدار ره‌شناس: آراء شاعران ایران در عصر تجدد درباره سعدی، سعدی‌شناسی: دوفصل‌نامه در شیراز، ش ۳، بهار ۱۳۹۶، ص ۲۷-۳۷.

۵. حکمت عملی سعدی، در سعدی‌شناسی، غلامحسین ابراهیمی دینانی، ج ۸، به کوشش کمالی سروستانی، مرکز سعدی‌شناسی: شیراز، ۱۳۸۴، ص ۶۶؛ شوریده و بی‌قرار: درباره سعدی و آثار او، حسن انوری، قطره، ۱۳۸۴، ص ۱۷۷-۱۷۸؛ سعدی و حُب وطن، اصغر دادبه، در سعدی‌شناسی، ج ۱۰، به کوشش کمالی سروستانی، مرکز سعدی‌شناسی: شیراز، ۱۳۸۶، ص ۴۳؛ سعدی و داستان‌نویسی معاصر، حسن میرعابدینی، در سعدی‌شناسی، ج ۱۲، به کوشش کمالی سروستانی، مرکز سعدی‌شناسی: شیراز، ۱۳۸۸، ص ۶۶؛ و در زمینه نقد و بررسی بخشی از آرای منتقدان سعدی براساس یافته‌های مقاله‌های موردبحث، رک. تشیع‌های ناروا بر سعدی، سعید حمیدیان، در سعدی‌شناسی، ج ۱۲، به کوشش کمالی سروستانی، مرکز سعدی‌شناسی: شیراز، ۱۳۸۸، ص ۳۹-۵۳. همچنین خلاصه‌ای از آن مقاله - سخنرانی در مجله نامه فرهنگستان، س ۷، ش ۲۶، شهریور ۱۳۸۴، ص ۲۰۳-۲۰۴ زیر نظر استاد احمد سمیعی گیلانی به تدوین سایه اقتصادی‌نیا منتشر شد.

۶. این نشست در مرکز فرهنگی شهر کتاب تهران، خیابان بخارست، به کوشش آقای علی‌اصغر محمدخانی، و با حضور استاد اصغر دادبه و آقای دکتر کمالی سروستانی در عصر سه‌شنبه ۲۸ شهریور ۱۳۹۱ برگزار شد.

۷. زمانه سعدی، برنامه‌ای در رادیو بی‌بی‌سی - شیراز، به کوشش سام فرزانه، چهارم فروردین ماه ۱۳۹۵.

۸. امیرعلی نجومیان، تبارشناسی کارکردهای گفتمانی سعدی در ایران معاصر، در سعدی‌شناسی، ج ۱۷، به کوشش کمالی سروستانی، مرکز سعدی‌شناسی: شیراز، ۱۳۹۳، ص ۱۶-۳۰؛ مسعود جعفری جزی، تغییر جایگاه شاعران در تاریخ ادبیات - بخش دوم، بخارا، س ۲۰، ش ۱۲۰، مهر - آبان ۱۳۹۶، ص ۱۰۶-۱۲۴؛ جویا جهان‌بخش، سعدی‌شناسی و زوال مُلک بنی‌العباس: نیم‌نگاهی به پاره‌ای از خرده‌گیری‌های بی‌اساس، آینده‌پژوهش، س ۲۹، ش ۳، مرداد - شهریور ۱۳۹۷، ص ۶۵-۸۴.

بخش نخست

سعدی از سده هفتم هـ. ق. تا عصر تجدد

۱. سعدی، معلم و نماد پختگی زبان فارسی

زبان هر قوم به تدریج در سپیده دم شکل یابی آن قوم چشم به جهان می گشاید. اما غنا و پروردگی هر زبانی، علاوه بر آبخور پراهمیت زبان مردم و ترانه های مردمی، نیازمند توانایی و تخیل شاعران و نویسندگان آن قوم است. در واقع، پس از آن که هر زبانی مرحله های آغازین مردمی خود را پشت سر می گذارد، به جست و جوی تداوم طبیعت خود در شکل ها یا صورت های ادبی بر می آید. در چنین موقعیتی، زبان خواه ناخواه ناگزیر از انتخاب مرحله هایی دیگر است. زبان فارسی دری نیز از دایره شمول این تطوّر بیرون نبوده است.

در نگاهی کلی به زبان فارسی دری درمی یابیم که این زبان پس از شکل یابی در مرحله های آغازین، به مرحله تأسیس زبان ادب وارد شد. رودکی نماد و نمونه این مرحله است. اگر بتوان تعبیر نماد دوره کودکی و نوجوانی زبان ادب فارسی را درباره او به کار بُرد، آنگاه باید گفت که عمده توانایی و تخیل شعری او البته، به طور نامستقیم، معطوف به رشد و هدایت این کودک و نوجوان بوده است. رودکی در لحظه هایی از شعر خود در روزهای کودکی زبان ادب ما قرار دارد و در لحظه هایی دیگر در روزهای نوجوانی آن. چابکی و چالاکی زبان در شعر رودکی چابکی و چالاکی ذهن کودک و نوجوانی است که با سادگی و مهر دوره خود به جهان می نگرد.

اگر بتوانیم این تعبیر را تعمیم دهیم و همراه آن به پیش رویم، آنگاه بی تردید فردوسی را نماد دوره جوانی و بُرنایی زبان ادبمان خواهیم شناخت. با کتاب عظیم

شاهنامه، زبان فارسی دری از مرحله تأسیس به طور کامل عبور می‌کند و به مرحله تثبیت خود می‌رسد. فردوسی زبان ادب فارسی را به مرحله‌ای بالاتر می‌کشد و آن را به تکامل جوانی و بُرنایی‌اش هدایت می‌کند. استواری و استحکام زبان در سروده‌های فردوسی استواری و استحکام ذهن جوان برومندی است که با اطمینان و سربلندی دوره خود به جهان می‌نگرد.

پس از فرازونشیب‌های گونه‌گون تأسیس و تثبیت زبان و ادب فارسی در ناحیه خراسان و گسترش تدریجی این زبان به ناحیه‌های دیگر، به‌ویژه عراق عجم (ناحیه مرکزی ایران) و آران و آذربایجان (ناحیه شمال غرب ایران)، که با درخشش دو گوینده برجسته از ناحیه اخیر همراه بود (نظامی، خاقانی)، به مرحله پروردگی این زبان می‌رسیم. شک نیست که همه شاعران و نویسندگان دو دوره مورد بحث، مانند بلعمی و بیهقی و فرخی و انوری، طبق قانون تکامل، در شکل‌یابی و رشد زبان فارسی دری سهمی بسزا و نقشی عمده داشته‌اند. اما براساس همین قانون، زبان ما در آثار شاعر و نویسنده‌ای به چنان پروردگی و پختگی و غنایی رسیده که آن شاعر و نویسنده را تا مقام آموزگار نخست بالا برده است. نام این شاعر و نویسنده سعدی است. او معلم و نماد پختگی زبان ماست.

شک نیست که پیشینیان و استادان سعدی، به‌ویژه دو معلم و نماد دوره‌های قبل از او، یعنی رودکی و فردوسی، به ترتیب در تأسیس و تثبیت زبان ادب فارسی تأثیری گسترده داشته‌اند. به عبارت دیگر، سعدی، به خصوص در روشنی، سادگی، و رسایی زبان، شاگرد مکتبی است که رودکی مؤسس و فردوسی تثبیت‌کننده آن بوده‌اند. درواقع، او زبان ادب را، که در آثار منشور و منظوم نویسندگان و شاعران سده ششم قمری پُر از آرایه‌ها و واژه‌های ادبی و نخبه‌پسندانه شده است، به روشنی و سادگی و رسایی رودکی‌وار و فردوسی‌گونه برمی‌گرداند. اما سه سده تجربه ذهنی و زبانی سپری‌شده ادب فارسی در نوع آدای بیان و معنای سعدی تأثیری درخور برجای می‌گذارد. سعدی روشن، ساده و رسا می‌نویسد و می‌گوید، اما با چنان غنا و انعطافی که ناگزیر باید او را نماد پختگی زبان ادب فارسی دانست. کمتر موضوع و مفهوم شناخت‌شده‌ای تا روزگار سعدی وجود داشته که در چهارچوب «ادبیات»، به نحوی

در شعر و نثر سعدی طرح نشده باشد. اگر زبان ادب ما در آثار او به غنا و انعطاف نمی‌رسید، شاید تداوم موضوعی و مفهومی این زبان دچار نقص یا مخاطره می‌شد.

با این همه، عمده غنا و انعطافی که سعدی به زبان ادب ما می‌بخشد نه در «ابتکار مضمون» که «در ریخته‌گری بیان و حسن تعبیر و فصاحت»^۱ اوست. به بیان دیگر، آثار سعدی را باید دارای «زیبایی سرشتین و رفتارهای ناب زبانی»^۲ دانست. او «از زبان الهام می‌گیرد تا زبان را پردازد، غنی کند و گسترش دهد».^۳ از این رو، وی را سبب «نُضج و قوام»^۴ زبان ادب فارسی یا دلیل «رونق و آوازه پارسی در جهان»^۵ دانسته‌اند. شاید نزد خود بگوییم که این تعبیرها زبانی شاعرانه دارد. اگر چنین باشد، در آن‌ها مبالغه‌ای نیست و آنچه گفته شده واقعیت‌هایی است بی‌خدشه و حکم‌هایی است پذیرفتنی.

آیا سعدی به آسانی و سادگی به این موقعیت رسیده است؟ البته، نه. درواقع، «بس نکته غیر حُسن» باید وجود داشته باشد که شاعر و نویسنده‌ای را به چنین جایگاهی برساند. با توصیف و تحلیلی بسیار فشرده از برخی جوانب آثار وی می‌کوشم که به شماری از این نکته‌ها اشاره کنم.

سعدی شاعر زندگی و زندگان است و نویسنده رونده و روندگان. عناصر زندگی انسانی و انسان‌ها به وسعت در شعر و نثر او جلوه یافته است. او کوشیده است تا همه ابعاد زندگی و همه وجوه انسانی را ببیند. سعدی «کتاب جامعه را بیش از کتاب‌های مدرسه در مطالعه دائم خویش»^۶ داشت. او در آثارش هم مهربان است هم جدی، هم شاد است هم عاشق. نکته‌سنجی و ظرافت در شعرها و نثرهای او درکنار زیباپسندی و زیبایی‌خواهی‌اش قرار می‌گیرد و در همان حال، به خرد و حکمت چهره می‌گشاید. به نظر می‌آید که او دانای راز عشق و زیبایی و خرد و حکمت در زبان فارسی است.

با چنین جامعیتی غریب نیست که زبان شعر او به زبان نثر نزدیک باشد و زبان نثر او با زبان شعر همدم. به بیان دیگر، شعرش در خدمت نثر قرار می‌گیرد و نثرش در خدمت شعر. البته، در هر دو جهت، حد و اندازه را نگه می‌دارد، و هم در نثر و هم در شعر به معیار فصاحت (روانی) و بلاغت (رسایی) زبان فارسی تبدیل می‌شود

تا جایی که گفته‌اند «سعدی مطلقاً معنی را فدای لفظ نمی‌کند» و «علم بلاغت از قبیل معانی و بیان، چنان‌که می‌شناسیم، در شناخت هنر سعدی و سخنوران طراز اول ما ناقص است و باید علم بلاغت نوینی به وجود آید».^۷

در آثار سعدی، اندرونه و برونه زبان فارسی به تعدیل و تکامل می‌رسد و این زبان دست‌کم در دو حوزه اجتماعی و غنائی، استعداد خود را به طور کامل آشکار می‌کند. او استاد برتر است و به تعبیر قدما، کلمه‌ها در دست او چون موم است. سعدی از توانایی طبیعی - تجربی خود نه تنها سوء استفاده نمی‌کند، که اغلب حاصل زیبایی‌شناسانه توانایی ادبی خود را به هنجارهایی در قلمرو بیان اجتماعی و عاطفی شعر و نثر فارسی تبدیل می‌کند.

انعطاف‌های سعدی در سخن‌پردازی انعطاف‌های یک شیرازی فرهیخته نیک‌اندیش و سردوگرم‌چشیده است که خوب می‌بیند و به زیبایی می‌گوید. به نظر می‌آید «جوهر دانایی فطری»^۸ در او بسیار است و «قوت مشاهده و دقت نظر»^۹ (observation) جزئی از وجود اوست. اما نوع بیان جوهر دانایی و قوت مشاهده و دقت نظر او با دو عنصر ظرافت و ایجاز گره خورده است. سعدی اندک می‌گوید و می‌نویسد. به بیان دیگر، شعر و نثرش اشاره‌وار است و عنصر روایتگری در آثارش، با تعادلی خوشگوار، در تناظر با موسیقی کلام قرار می‌گیرد. موسیقی شعر و نثر سعدی از دل زبان بیرون آمده است و به خلاف آثار بسیاری از استادان سخن، زینتی بر قبای زبان نیست. شاید بهتر باشد بگوییم که این موسیقی بخشی از خود زبان است و نه چیزی دیگر.

محمدتقی بهار (ملک الشعرا) عقیده داشت که «اساس زبان پارسی» بر «ایجاز» نهاده شده است.^{۱۰} اگر چنین باشد، باید گفت که در نثر فارسی، سعدی استاد نخست ایجاز است و در شعر فارسی، جزو استادان رتبه نخست. آنچه سعدی را به این موقعیت رسانده است، از یک سو، ریشه در استعداد کلمه‌پردازی او دارد و از دیگر سو، مربوط است به کوشش آفرینش‌گرانه او در جذب و هضم آثار پیش از خود. وقتی این دو نکته را در کنار انعکاس تجربه‌های زیستی او در گذر زمان قرار دهیم، آنگاه به این نتیجه می‌رسیم که ما با استادی بسیار بزرگ روبه‌رویم. او استادی است که هم قدر

توانایی ادبی خویش را می‌داند و هم حدّ آن را. به تعبیر دیگر، او به‌خوبی می‌داند که زیاده‌روی در شعله‌ور کردن هریک از وجوه درونی و بیرونی زبان ممکن است خرمن کلامش را از تعادل بیندازد و بسوزاند.

با این همه، استادی سعدی فقط به حوزه ادبیات منحصر نمی‌ماند. او در شناخت زیروبم‌های جامعه نیز استاد است. درواقع، انسان و سرنوشتش، در رفیع‌ترین تلقی جهان کهن، در آثار سعدی بازتاب یافته است. پیوند ادبیات و اجتماع در کلام سعدی چنان عمیق است که او زبان فارسی را در مثل‌های سایر خود غرق می‌کند. مجموعه مثل‌های سائیری که او به گنجینه زبان فارسی افزوده، بی‌همتا است.

سعدی، در گلستان، بخش‌هایی از زندگی ایرانیان و فارسی‌زبانان و دیگران و گذر روزمره آنان را در عصر خود و عصرهای پیش بازگفته است. اما این کتاب پس از نگارش و پخش، خود، به جزئی از حضور زندگی ایرانیان و فارسی‌زبانان و فارسی‌دانان تبدیل شد. این نکته که چگونه کتابی درباره زندگی روزمره به جزئی از آن زندگی روزمره تبدیل می‌شود موضوع کم‌اهمیتی نیست. از لحاظ ادبی می‌توان چنین گفت که شاعر و نویسنده توانا می‌تواند نکته‌های عادی و متعارف را به «ادبیات» در معنای دقیق و عمیق کلمه مربوط کند و در همان حال، از ورطه کلی‌گویی و بیهوده‌پردازی و ابتذال دوری گزیند. از نظر تاریخی نیز به گفته بهار:

بعد از کلیله و دمنه، که کتابی است دنیایی و بنیاد آن کتاب در دولت ساسانیان و کیش زردشت، یعنی دولت و مذهبی دنیایی و امپراتوری بزرگ حامی و نگاهبان جهان ریخته شد، کتابی که مانند گلستان، تقلید از کلیله نباشد، ولی با همان روح دنیایی تألیف شده باشد، در نثر فارسی وجود ندارد.^{۱۱}

البته، یکی از درون‌مایه‌های این کتاب، که به تعبیر بهار، «روح دنیایی» دارد، دوری از هرگونه افراط و تفریط و پرهیز از هر نوع تندروی در همه شئون و امور اجتماعی و فرهنگی است. دعوت به اعتدال و دگرگونی تدریجی از آموزه‌های اساسی سعدی است.^{۱۲} مجموعه زبانی که سعدی برای بیان نکته مورد بحث برمی‌گزیند البته، خود، از تندروی و افراط سجع‌پردازان دور است و چنان‌که گفتیم روی به روانی و رسایی دارد.^{۱۳}